

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 2

Date of filing: 10 Jan 84

\*\* AWARD - Type of Award Final  
- Date of Award 19 Dec 83  
\_\_\_\_\_ pages in English 23 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

2-76

۲-۷۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

# دیوان دآوری دعاری ایران - ایالات متحده

DUPLICATE ORIGINAL

نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۲

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۲ - ۹۳

آمریکن اینترنشنال گروپ اینکورپوریتد ، و

آمریکن لایف اینشورنس کامپنی ،

خواهانها ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران و بیمه مرکزی ایران ،

خوانندگان .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان دآوری دعاری ایران - ایالات متحده
<b>ثبت شد = FILED</b>	
1362 / 10 / 20	10 JAN 1984
2	

حکم

## حاضران :

از طرف خواهانها : آقای دیوید آر . هاید ، آقای هوارد جی . اسلون ،

وکلای خواهانها ،

آقای رندال درین ، خانم اس . الین شا

آقای آر . کندال ناتینگهام ،

از طرف خوانندگان : آقای محمدکریم اشراق ، قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای ابوسعید رهبری و آقای سیدحسین طباطبائی مشاوران حقوقی نماینده رابط

دکتر غلامحسین جباری و

آقای کیوان خشایار ، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران

آقای مهرداد باقری ، نماینده بیمه مرکزی ایران

سایر حاضران : آقای آرتور رواین ، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

- ۴ -

رایترزبنک اینکوریپوریتد ("یوبنک")، که شرکتی است که طبق قوانین ایالت کنتیکت، آمریکا تشکیل شده ۵ درصد. هر یک از این شرکتها، شرکت های تابعه ایگ بوده و تمام آنها "به آن شرکت تعلق داشتند."

در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیرماه ۱۳۵۸) کلیه شرکتهای بیمه که در ایران فعالیت داشتند، از جمله شرکت بیمه ایران و آمریکا طبق قانون ملی کردن شرکتهای بیمه، ملی اعلام شدند.<sup>(۲)</sup>

خواهان "ایگ" در یک دادگاه آمریکائی اقدام دعوی کرده و بابت ضبط حقوق مربوط به ۳۵٪ سرمایه مذکور مطالبه غرامت نموده و دادگاه در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۰ (۱۹ تیرماه ۱۳۵۹) قرار داد دولت ایران را مسئول پرداخت غرامت شناخت. بعداً پرونده به موجب مقررات مصوب دولت ایالات متحده جهت احرای بیانیه های الجزیره به حالت تعلیق درآمد.<sup>(۳)</sup>

متعاقب ملی شدن، اسم شرکت بیمه ایران و آمریکا به شرکت بیمه توانا تغییر یافت و اداره آن به مدیرعامل منتخب هیئت مدیره دولتی که طبق قانون ملی شدن به وجود آمده بود، محول گردید. کلیه دارائیهای شرکت در سپتامبر ۱۹۸۲ به شرکت بیمه آسیا و ایران منتقل گردید.

---

(۲) خواهان "ایگ" در لایحه مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲ (۲۹ شهریورماه ۱۳۶۱) خود مدعی است که پاره ای اقدامات که مقدم بر تصویب قانون مزبور صورت گرفت در حد خود به منزله سلب مالکیت از شرکت بیمه ایران و آمریکا محسوب می گردد. لیکن، خواهان ها تاریخ وقوع این سلب مالکیت ادعائی را مشخص ننموده و بعلاوه در اقدام دعوی خود نیز به این موضوع استناد نمی کنند، بلکه غرامت را کماکان از تاریخ ملی شدن مطالبه می نمایند.

(۳) بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ("بیانیه عمومی") و بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل دعوی") بیانیه "بیانیه".

- ۵ -

سوم - صلاحیت رسیدگی به دعوی۱ - اظهارات طرفین

ایک اظهار می‌دارد که طبق تعریف بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، از تاریخ بروز ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخ بیانیه، تابعیت ایالات متحده را داشته و در حال حاضر نیز تابعیت مزبور را دارد.

ایک همچنین اظهار می‌دارد که چون وی در مدت ذیربط و در حال حاضر، مالک ذینفع سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا است که به نامهای آلیکو، ارکو، آی.او.یو. و یوبنک، صادر شده و از این رو مالک مستقیم تمام ادعا است، لذا این ادعا طبق تعریف بند ۲ ماده هفت بیانیه، ادعای یک تبعه ایالات متحده محسوب می‌گردد. علاوه بر این، ایک مدعی است که یوبنک در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۹ دیماه ۱۳۵۷) منحل و دارائیهای آن به ایک به عنوان سهامدار منحصر بفرد یوبنک تفویض شده است و بنا بر این ایک مالک مستقیم ادعای مربوط به سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا است که به نام یوبنک صادر شده است.

ایک، اظهارات خود را به نحو دیگری هم مطرح ساخته و می‌گوید که چون این شرکت تابعه ایالات متحده نبوده و نمی‌تواند دعاوی خود را در این دیوان مطرح سازد و نیز به این علت که مالکیت ۱۰۰٪ منافع این شرکتها، جهت کنترل آنها کافی است، وی مالک غیر مستقیم ادعای مربوط به سهامی است که به نام ارکو و آی.او.یو. صادر شده است، در مورد سهام صادره به نام آلیکو "ایک" تقاضای خود را به نحو دیگری مطرح کرده، خواستار اصلاح دادخواست به منظور معرفی آلیکو به عنوان یک خواهان است.

ایک همچنین مدعی است که ادعا طبق مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ناشی از "سلب مالکیت یا اقدامات دیگری است که در حقوق مالکیت اثر می‌گذارد" و علاوه بر دو خواننده، مشمول تعریف "ایران" مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه می‌باشند.

خوانندگان به کفایت دلائل ارائه شده جهت اثبات تابعیت آمریکائی خواهان ایراد گرفته

- ۶ -

واستدلال می‌کنند که خواهان به عنوان مالک ذینفع ۳۵٪ حقوق شرکت بیمه ایران و آمریکا تحت نام آلیکو، ارکو، آی. او. یو. ویونیک نمی‌تواند دعوی را مستقیماً " مطرح سازد. علاوه بر این، خوانندگان دلایل خواهان را دایر بر اینکه وی کنترل ارکو، آی. او. یو. را طبق مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه در اختیار دارد، رد می‌کنند. خوانندگان همچنین استدلال می‌کنند که مدارک کافی راجع به اثبات انحلال یونیک و واگذاری دارائی آن به ایگ ارائه نشده و می‌گویند که هم یونیک و هم آلیکو به عنوان تبعه ایالات متحده می‌توانستند ادعایشان را بابت سهامی که بنام خود در اختیار دارند، اقامه نموده و بدین سان، طرح دعوی توسط خواهان بابت این سهام را منتفی سازند. خوانندگان اصلاحیه پیشنه‌ای خواهان را به این دلیل که اصلاحیه مزبور ادعای تازه‌ای را مطرح نموده و از این روبه موجب بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعوی منع گردیده است، رد می‌کنند.

خوانندگان همچنین به دلایل گوناگون به صلاحیت موضوعی دیوان جهت رسیدگی به دعوی معترضند. استدلال خوانندگان این است که طبق حقوق بین‌الملل، ملی کردن سلب مالکیت محسوب نمی‌شود و از این رو، مشمول بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی نمی‌گردد. علاوه، خوانندگان استدلال می‌کنند که چون قانون تجارت ایران صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به شرکت‌های ایرانی را منحصراً " به دادگاه‌های ایران محمول کرده، لذا طرح دعوی در دیوان منع قانونی دارد. علاوه، خواهان در صدد تا میسر خسارت از طریق مراجع داخلی مقرر در قوانین ایران برنیا مده و علاوه ملی کردن شرکت‌های بیمه اعمال حاکمیتی است که مشمول رسیدگی توسط یک دیوان بین‌المللی نمی‌شود.

## ۲ - یافته‌های دیوان در مورد صلاحیت

ایگ گواهی‌نامه‌ای به تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۶ شهریور ماه ۱۳۶۱) از طرف مقام مسئول روابط خارجی ایالت دله‌ور، آمریکا تسلیم کرده که حاکی است ایگ در تاریخ ۹ ژوئن ۱۹۶۷ (۱۹ خرداد ماه ۱۳۴۶) طبق قوانین ایالت مزبور تاسیس گردیده و تاریخ صدور گواهی‌نامه مزبور همچنان دایر بوده است.

- ۷ -

ایک همچنین سوگندنا مه های موریس آر. گرین برگ ، رئیس و مدیرعامل ایک رادایر  
براینکه سهام ایک در دست اشخاص زیادی بوده و به طور عام در ایالات متحده دادوستد  
می شود ، تسلیم کرده است . سوگندنا مه های مزبور همچنین حاکی است که بیش از ۷۵٪  
سهام منتشره ایک در اختیار کسانی است که دارای نشانی پستی در ایالات متحده بوده  
و بنا به اطلاعات شخصی آقای گرین برگ ، مجموع سهام ایک که به بیگانگان تعلق دارد  
از ۲۵٪ سهام منتشره تجاوز نمی کند . دلیل معارضی در این باره ارائه نشده است .

تشخیص دیوان داوری اینست که بر اساس مدارک فوق و با توجه به اینکه موجبی برای شک  
و تردید راجع به ادعاهای ایک وجود ندارد ، می توان منطقاً " استنتاج نمود که  
بیش از ۵۰٪ سهام ایک به اتباع ایالات متحده تعلق دارد و نتیجه گیری دیوان داوری  
نیز به همین قرار است .

سوگندنا مه های گرین برگ حاکی است که ایک مستمراً " مالکیت کلیه سهام آلیکو ، ا.آی.ا.  
او.یو. ، و ارکورا از تاریخ پیدایش ادعا داشته و کلیه سهام یوبنک تا انحلال شرکت در  
۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ ( ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸ ) متعلق به وی بوده و در تاریخ مزبور برابر انحلال  
یوبنک ، دارائیهای آن به ایک منتقل شده است . در این باب ، به گزارش سالانه ایک  
مربوط به سال ۱۹۸۱ که نسخه ای از آن پیوست سوگندنا مه است اشاره شده که در آن از آلیکو ،  
ا.آی.ا. و یو.وارکوبه عنوان شرکتهای تابعه ایک یاد شده است .

سوگندنا مه های گرین برگ گواهی بر این واقعیت است که سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا  
که طبق دفتر به نام آلیکو صادر شده در اقرارنامه های مقرر در قوانین ایالات متحده ، جزو  
دارائیهای ایک ، و نه دارائیهای آلیکو ، منعکس گردیده ، و سود سهام پرداختی جزو  
عوائد ایک ، و نه عوائد آلیکو ذکر شده ، و بالاخره اینکه ، مقامات ایک ، و نه مسئولان  
آلیکو ، عضویت هیئت مدیره شرکت بیمه ایران و آمریکا را داشته اند .

بالاخره ایک مطالبی را نقل می کند که توسط شرکت بیمه ایران و آمریکا انتشار یافته و در آن  
از شرکت به عنوان " شرکت مختلطی که ۶۵٪ مالکیت آن متعلق به ایرانیان و ۳۵٪ بقیه  
متعلق به آمریکا اینترنشنال گروپ " می باشد ، یاد شده است .

خوانندگان در مورد مالکیت آلیکو، ارکو، آی. او. یو، ویوبنک هیچ مدرکی تسلیم نکرده‌اند. در مورد مالکیت انتفاعی سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا که به نام آلیکو ویوبنک صادر شده خوانندگان وکالت نامه‌ها را ارائه کرده‌اند که به موجب آنها، شرکت‌های مزبور به دونفر اجازه داده‌اند که اختیارات سهامداران را در جلسات صاحبان سهام و مدیران شرکت بیمه ایران و آمریکا، اعمال نمایند.

دیوان داورى بر اساس این مدارک چنین نتیجه می‌گیرد که آلیکو، ارکو، آی. او. یو، شرکت‌های تابعه کلا "متعلق به ایگ بوده و ویوبنک منحل گردیده و دارای شخصیت حقوقی مستقل نمی‌باشد. واضح است که حقوق مالکیت ایگ در ارکو، آی. او. یو، جهت کنترل شرکت‌های مزبور توسط ایگ کافی بوده، و این شرکت‌ها به عنوان شرکت‌های غیر آمریکایی حق اقامه دعوی در دیوان داورى را ندارند. تا آنجا که موضوع به سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا که به نام این دو شرکت ثبت شده، مربوط می‌شود، ایگ مالکیت غیر مستقیم ادعا را ظرف مدت ذیربط داشته است. ایگ حق دارد که دعوی شرکت‌های غیر آمریکایی تابعه تما " متعلق به خود، یعنی ارکو، آی. او. یو، را اقامه نماید. بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی.

در مورد ادعای مربوط به سهام ویوبنک، دیوان داورى متقاعد شده است که ایگ به عنوان سهامدار منحصر بفرد شرکت مزبور، در نتیجه انحلال ویوبنک در ژوئیه ۱۹۷۹، وارث کلیه حقوق ویوبنک در شرکت بیمه ایران و آمریکا شده است. ایگ در مقام وارث و جانشین ویوبنک این حق را دارد که تا آنجا که ادعا مربوط به سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا به نام ویوبنک است، اقدام به طرح دعوی نماید.

در مورد سهام آلیکو، این سؤال مطرح است که آیا ایگ می‌تواند در ارتباط با این سهام اقامه دعوی نماید. رجوع شود به بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی. دیوان داورى نیازی به پرداختن به این مطلب ندارد، زیرا به نظر دیوان اصلاحیه ای که در آن آلیکو به عنوان خواهان دیگری سوی ایگ، معرفی گردیده، باید مجاز شناخته شود. این اصلاحیه مبلغ خواسته یا مبنای حقوقی ادعا را تغییر نمی‌دهد و نمی‌توان گفت که موجب تضییع حق خواننده می‌شود. ماده ۲۰ قواعد دیوان ولو این که مستقیماً "مصادق نداشته

باشد، ما را در اتخاذ تصمیم راجع به این پرونده هدایت می‌کند. در شرایط حاکم بر پرونده حاضر، جایزندانستن اصلاحیه نوعی ظاهری است که توجیه آن مشکل است.

دیوان داوری برای این عقیده است که صلاحیت آن به موجب بند ۱ ماده دو بیانییه حل و فصل دعاوی در مورد "سلب مالکیت" عینا "شامل" ملی کردن" و اشکال دیگر مصادره نیز می‌شود. در هر حال، صلاحیت دیوان داوری جهت رسیدگی به "سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت، به حد کفایت بسیط است که موضوع ادعای مندرج در این پرونده را نیز دربرگیرد.

اینکه قانون تجارت ایران، شرکتهای ایرانی نظیر شرکت بیمه ایران و آمریکا را مشمول صلاحیت دادگاههای ایران قرار می‌دهد نمی‌تواند این ادعا را از صلاحیت دیوان داوری مستثنی نماید. دولتین در بند ۱ ماده دو بیانییه حل و فصل دعاوی، زمینه‌ها و دلائل استثنای دعاوی از صلاحیت دیوان را مشخص کرده و دعاوی مشمول صلاحیت مراجع داخلی یکی از دو کشور، به صورت یک شرط کلی، جزو موارد مزبور نبوده است.

صرف نظر از اینکه از تمام امکانات جبران خسارت استفاده شده یا نشده و نظریه‌های مربوط به اعمال حاکمیت مصداق داشته یا نداشته باشد، بیانییه الجزیره فی نفسه صلاحیت را به این دیوان می‌دهد.

ماحصل اینکه، ایگ ادعائی در مورد ۲۵ درصد سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا و آلیکونیز ادعائی در مورد ۱۰ درصد سهام مزبور در دیوان داوری مطرح کرده اند و دیوان داوری جهت رسیدگی به هر دو دعوی صلاحیت دارد.

چهارم - ماهیت دعوی

۱ - اظهارات طرفین

خواهان اظهار می‌دارد که ملی کردن شرکت بیمه ایران و آمریکا از آن جهت که متضمن پرداخت غرامت "فوری، کافی و موثر"، طبق اصول حقوق بین الملل عرفی نبوده



وبسبب عدم رعایت تعهدات مندرج در عهدنا مه مودت ، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۴) فیما بین ایالات متحده و ایران ("عهدنا مه مودت") ، که در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۳۶) به مورد اجرا گذاشته شد ، نقض حقوقی بین المللی به شمار می آید . خواها نها از تعدادی آراء دیوانهای بین المللی و دادگاه های داخلی در تائید دعای خود طبق اصول حقوق بین المللی عرفی یا دکرده و برای اثبات عدم رعایت تعهدات مندرج در عهدنا مه مودت به بند ۲ ماده چهار عهدنا مه استناد می جوید . خواها نها همچنین به قرار (۴) فوق الذکر استناد می کنند که از طرف دادگاه بخش منطقه کلمبیای ایالات متحده در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۰ (۱۹ تیر ماه ۱۳۵۹) (رجوع شود به بخش دوم در بالا) صادر شده و طبق آن دادگاه نحوه ملی شدن شرکت بیمه ایران و آمریکا را نقض عهدنا مه مودت و حقوق بین المللی عرفی دانسته است . خواها نها اظهار میدارند که راجع به موضوع مسئولیت ، در جریان داوری حاضر ، با ید برای قرار یا د شده ارزش و اعتبار کامل قائل شد .

خواها نها ، در مورد نقض ادعای حقوقی بین المللی مدعی اند که هم طبق عهدنا مه مودت و هم طبق حقوق بین المللی عرفی ، اکنون استحقاق دارند غرامت "عادلانهای" برابر "ارزش کامل" حقوقشان در تاریخ ملی شدن ، به اضافه بهره از تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیر ماه ۱۳۵۸) ، یعنی تاریخ ملی شدن ، دریافت دارند .

خواها نها استدلال می کنند که به منظور تعیین میزان غرامت عادلانه ، ارزش شرکت با ید به عنوان یک موسسه دائر ، از جمله عواملی نظیر دورنمای آتی تجاری و ارزش شهرت تجاری برآورد شود . خواها نها همچنین اظهار می دارند که تقویم حقوق ایشان در شرکت با ید بدون توجه به اقداماتی که دولت ایران قبل از ملی شدن به عمل آورده و ارزش شرکت را به طور تصنعی تقلیل داده و نیز بدون توجه به هرگونه رویدادی که بعد از ملی شدن حادث شده و احیاناً "بردورنمای آتی تجاری شرکت اثر منفی داشته است ، صورت گیرد .

(۴) آمریکن اینترنشنال گروپ ، اینکورپوریتد و سایرین علیه جمهوری اسلامی ایران و بیمه مرکزی ایران ، قرار شماره ۳۲۹۸ - ۷۹ (دی.دی.سی. ۱۰ ژوئیه ۱۹/۱۹۸۰ تیر ماه ۱۳۵۹) .

بالاخره، خواهانها مدعی اند که ارزش کامل شرکت بیمه ایران و آمریکا به عنوان یک موسسه دائر در تاریخ ملی شدن -/۱۱۱،۴۷۰،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است. از این رو خواهانها، به نسبت ۳۵٪ حقوقی که در شرکت بیمه ایران و آمریکا دارند، غرامتی به میزان -/۳۹،۰۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می‌نمایند.

خوانندگان منکر آنند که با ملی کردن شرکت بیمه ایران و آمریکا، اعم از اقدام به ملی کردن شرکت‌های بیمه یا عدم پرداخت غرامت تا بحال، اصول متداول حقوق بین‌الملل را نقض کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند که حق ملی کردن، به عنوان تجلی حاکمیت دائم، که هرملتی در قلمرو خود بر منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی اعمال کند، مورد قبول همگان است. علاوه بر این، با وجود اینکه خوانندگان تصدیق می‌کنند که در نهایت امر پرداخت غرامت به صاحبان سابق اموال ملی شده، وظیفه محسوب می‌شود، معهدا، ضابطه غرامت "فوری" را بـه عنوان یک ضابطه حقوق بین‌الملل عرفی رد می‌کنند. در عوض، خوانندگان اظهار می‌دارند که از نظر حقوق بین‌الملل وظیفه پرداخت غرامت فقط مستلزم اعلام به موقع قصد پرداخت و اقدام به پرداخت ظرف مدت زمان معقولی است. خوانندگان ادعا می‌کنند که ضوابط بین‌المللی را نقض نکرده‌اند، زیرا ولو اینکه پرداخت غرامت ظرف سالهای آتی صورت گیرد، باز هم در محدوده مدت زمان معقولی که ضابطه مزبور مجاز شمرده، قرار می‌گیرد.

خوانندگان همچنین نقض مفاد عهدنا مه مودت را رد می‌کنند. اولاً، آنها استدلال می‌کنند که عهدنا مه مودت به دلایل متعدد، دیگر معتبر نیست. ثانیاً، خوانندگان مدعیند که ولو اینکه عهدنا مه مودت معتبر هم باشد، ملی کردن صنعت بیمه ایران، طبق مدلول عهدنا مه مودت "مصدره" محسوب نشده، و لذا، حمایت‌ها و ضوابط مندرج در عهدنا مه در این مورد مصداق پیدانمی‌کند.

بعلاوه، خوانندگان اظهار می‌دارند که: حتی به فرض محال که ایران در جریان ملی کردن صنعت بیمه، اصول حقوق بین‌الملل عرفی را هم نقض کرده باشد، هیچگونه حق قانونی بین‌المللی با است پرداخت غرامت معادل "ارزش کامل" مال ملی شده، وجود ندارد. منشاء مطالبه غرامت کامل، ضابطه سنتی پرداخت غرامت فوری، کافی و موثر است

کمیته در اثبات تحولات نوین حقوق بین الملل منسوخ گردیده است و در عوض باید بر مبنای مندرجات قطعنامه‌های ارگان‌های سازمان ملل متحد و رویه مصالحه‌های بعد از جنگ، ضابطه "گرامت جزئی" را اعمال نمود. بدینسان، صرف نظر از روش ارزشیابی مورد عمل، میزان گرامت قابل پرداخت ممکن است به خاطر ملحوظ داشتن عواملی مانند هزینه‌های مربوط به مکانیزم پرداخت، سایر بدهی‌های مستقل صاحبان اموال ملی شده، و رعایت موازین عدالت، کمتر از ارزش محاسبه شده، باشد.

خوانندگان وارد بحث در مورد اثرات عهدنامه مودت بر ضابطه مناسب پرداخت گرامت، در وضعیتی که عهدنامه در مورد دعاوی حاضر مصداق پیدا کنند، نمیشوند.

مضافاً "خوانندگان اظهار می‌دارند که، حتی اگر بعنوان ضابطه پرداخت گرامت، "عادلان" بابت "ارزش کامل"، (اموال ملی شده) اتخاذ شود، تعیین ارزش اموال به عنوان یک موسسه دائر بر مورد و غیر منطقی می‌باشد. در عوض، خوانندگان استدلال می‌کنند که روش ارزشیابی مقرر در حقوق نوین بین الملل صرفاً "تقویم" ارزش واقعی دارائیهای متعلقه در تاریخ ملی شدن است" بدون در نظر گرفتن عواملی نظیر ارزش شهرت تجارتهای یا عدم النفع. از این رو، خوانندگان بعنوان ضابطه صحیح، ضابطه "ارزش خالص دفتری" را پیشنهاد می‌کنند که طبق تعریفی که ارائه می‌دهند "دارائی منهای بدهی، بدون ملحوظ داشتن خسارات تبعی" است.

در مورد تعیین ارزش واقعی شرکت بیمه ایران و آمریکا، خوانندگان روش بکار رفته در ارزشیابی "موسسه دائر" را که توسط خواهانها پیشنهاد شده، نپذیرفته و بدینوسیله پاره‌ای از فرضیات کارشناسان خواهانها را رد می‌کنند. خوانندگان ضمن این انتقاد، نوعی روش ارزشیابی پیشنهاد می‌کنند که طبق آن دارائیهای خالص شرکت بیمه ایران و آمریکا -/۶۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا -/۸۶۵,۶۱۷ دلار آمریکا ارزیابی شده و بدین ترتیب<sup>(۵)</sup> بابت ۳۵٪ سهم خواهانها -/۳۰۲,۹۶۶ دلار به آنها تعلق می‌گیرد. ولی، خوانندگان اضافه می‌کنند که مبلغ -/۱۱۱,۴۶۱,۲۵۰ ریال یعنی معادل -/۱,۵۸۱,۵۷۱ دلار بابت بدهی

(۵) تبدیل ارز در این مورد و موارد دیگری که در اینجا صورت می‌گیرد مبتنی است بر نرخ رسمی تبدیل ارز در تاریخ ملی شدن که -/۷۰/۴۷۵ ریال بابت هر دلار آمریکا بوده است.

- ۱۳ -

خواهانها به خواندگان طبق چند فقره قرارداد بیمه اتکائی نا مشخص با ایداز ارزش سهم خواهانها کسر شود. بدین ترتیب، خواندگان اظهار می دارند که بابت غرامت دینی به خواهانها نداشته، بلکه در واقع خواهانها به خواندگان مدیونند.<sup>(۶)</sup>

خواندگان همچنین صورتی از ارزشیابی دارائیهای خالص شرکت را که توسط حسابداران حرفه‌ای انتصابی بیمه مرکزی تهیه شده، تسلیم کرده اند که طبق آن ارزش شرکت رقمی بین /- ۳۲۷،۲۵۰،۰۰۰ ریال تا /- ۳۷۷،۲۵۰،۰۰۰ ریال یعنی بین /- ۴،۶۴۲،۴۹۱ تا /- ۵،۳۵۲،۹۶۲ دلار آمریکا ذکر شده است. طبق این ارزشیابی، قبل از احتساب هرگونه کسور ظاهرا " قانونی ارزش حقوق خواهانها به رقمی بین /- ۱،۶۲۵،۲۲۲ تا /- ۱،۸۷۳،۵۳۷ دلار آمریکا بالغ می شود.

بالاخره، با اینکه خواندگان در مورد کلیه مسائل فوق الذکر دفاعیات خود را مشترکاً ارائه کرده اند، هر دو خواننده می گویند که اگر طبق ادعا مسئولیتی وجود داشته باشد، مسئولیت مزبور فقط متوجه دولت ایران بوده و ربطی به بیمه مرکزی ندارد، زیرا طبق اظهار خواندگان، بیمه مرکزی نه مسئول ملی کردن ونه مالک شرکت ملی شده ایران و آمریکا بوده است.

## ۲ - پرداخت غرامت بابت ملی کردن شرکت بیمه ایران و آمریکا

### الف - تعهد پرداخت غرامت

همانطور که قبلاً بیان شد، کلیه شرکتهای بیمه که در ایران فعالیت داشتند، از آن جمله شرکت بیمه ایران و آمریکا، طبق قانون ملی کردن شرکتهای بیمه در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیر ماه ۱۳۵۸) ملی اعلام شدند.

به عقیده دیوان داوری، نمی توان گفت که ملی کردن شرکت بیمه ایران و آمریکا، چه به موجب عهدنا مه مودت (در صورتیکه این عهدنا مه در مورد حل اختلاف حاضر قابل اعمال باشد، رجوع شونده مطالبی که ذیلاً آمده) و چه طبق اصول متداول حقوق بین المللی نفسه غیر قانونی بوده است، زیرا دیوان داوری مدارک کافی در دست ندارد که نشان دهد

(۶) خواندگان بابت این بدهی ادعائی، دعوائی طرح نمی کنند.

- ۱۴ -

ملی کردن شرکت مزبور جزئی از یک برنامۀ بزرگ اصلاحی، به خاطر مصالح عامه نبوده یا اقدامی تبعیض آمیز بوده است. از سوی دیگر، یک اصول کلی حقوق بین الملل عمومی اینست که حتی در موردی که ملی کردن طبق موازین قانونی صورت گرفته باشد، صاحب قبلی مال ملی شده حقوق دارد بابت ارزش مال ضبط شده خسارت دریافت کند. خوانندگان هم قبول کرده اند که پرداخت غرامت بابت ملی کردن شرکت بیمه ایران و آمریکا نهایتاً "یک وظیفه به شمار می آید".

بنا بر این، مسائل عمده مورد اختلاف بین آنها، گذشته از ارزش سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا در زمان ملی کردن، عبارتند از ضابطه قابل اعمال در مورد پرداخت غرامت و تاریخی که غرامت واجب الادا میشود. (رجوع شود به بخش چهارم - فوق).

نظریه اینکه بعد از تاریخ ملی شدن - یعنی از تاریخ اقدامی که موجب بروز ادعا شده - غرامتی پرداخت نشده و قانوناً "هم تاریخی برای الزام به پرداخت وجود ندارد، دیوان داورى معتقد است که دولت ملی کننده، یعنی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه دارد که بخواه آنها بابت سهامشان در شرکت بیمه ایران و آمریکا غرامت بپردازد. میزان غرامت در بخش های آتی این حکم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مورد مسئول شناختن بیمه مرکزی به هیچ دلیل معتبری استناد نشده است. از این رو، ادعای مطروح علیه خواننده مزبور بابت مردود شناخته شود.

#### ب - میزان خسارت

خواهانها دعوی خود را هم به استناد عهدنامه مودت و هم به استناد حقوق بین الملل عرفی مطرح می سازند. آنها مدعیند که در هر یک از دو صورت اکنون حق دارند که غرامت "عادلانهای" برابر ارزش کامل حقوقشان در ایران و آمریکا در زمان ملی شدن، دریافت نمایند.

خوانندگان که مدعی بی اعتبار بودن عهدنامه مودت هستند، استدلال می کنند که خواهانها قانوناً "استحقاق دریافت غرامت معادل ارزش کامل" مال ملی شده ندارند.

خوانندگان ادعا می‌کنند که با تحولات نوین حقوق بین‌الملل فابطه سنتی پرداخت غرامت "فوری، کافی و موثر" منسوخ شده است. آنها، منجمله به منشور سال ۱۹۷۴ میل ناظر بر حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها، قطعنامه شماره ۲۲۸۱ (بیست و نه) سال ۱۹۷۴ که در آن اصطلاح غرامت "مناسب" به کار رفته، اشاره کرده و همچنین رویه دولت‌ها در حل و فصل دعوی مربوط به ملی کردن را ذکر کرده و استدلال می‌کنند که طبق این تحولات صرفاً "جزئی از غرامت باید پرداخت شود."

همانگونه که قبلاً بیان شد، طرفین در مورد روش ارزشیابی مورد عمل اختلاف نظر دارند. خواهانها مدعیند که شرکت بیمه ایران و آمریکا باید به عنوان یک موسسه دائر ارزشیابی شده و در آن عواملی از جمله حسن شهرت تجاری و احتمال کسب سود در آینده نیز ملحوظ گردد. خوانندگان معتقدند که ارزشیابی باید منحصراً بر اساس ارزش "خالص دفتری" شرکت یا ارزش شرکت "در حال انحلال" صورت گیرد.

#### (یک) ارزش شرکت بیمه ایران و آمریکا به عنوان یک موسسه دائر

با در نظر گرفتن مدارک موجود، دیوان داوری در وهله اول به نتایج خواهد پرداخت که ممکن است در مورد ارزش شرکت بیمه ایران و آمریکا به عنوان یک موسسه دایر به دست آید.

تاریخ ذیربط برای ارزشیابی، تاریخ ملی شدن، یعنی ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیرماه ۱۳۵۸) است. دلائل کافی در دست نیست که دولت ایران قبل از تاریخ مزبور به اقداماتی متوسل شده باشد که غرض از آنها چه مستقیماً و چه بصورت غیر مستقیم، کاهش ارزش شرکت بیمه ایران و آمریکا باشد، و لذا در تعیین ارزش شرکت توجهی به این موضوع نمی‌شود. از سوی دیگر، همانگونه که خواهانها متذکر شده‌اند، نه فی نفسه اثرات ملی شدن و نه اثرات رویدادهائی که بعد از ملی شدن حادث گردیده نباید در اینجا به حساب آید. بنا بر این، مدارک مربوط به تحولات بازرگانی شرکت در سالهای بعد از ملی شدن باید نادیده گرفته شود، و ارزشیابی باید بر اساس ارزش عادلانه سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا در بازار در تاریخ ملی شدن، صورت گیرد.

مدارک موجود در این پرونده حاکی است که برای سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا بازاری فعالی وجود نداشته است. خواهانها با توجه به عدم وجود چنین بازاری، به ارزیابی هایی که توسط دو کارشناس مستقل بیمه به عمل آمده است، اتکاء کرده اند. یکی از این ارزیابی ها که توسط آقای رابرت تمپتاند، کارشناس بیمه سوئدی به عمل آمده، ارزش کل تخمینی شرکت را در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) (یعنی پایان آخرین سال مالی قبل از ملی شدن) در حدود ۱۴۷ میلیون دلار آمریکا تعیین می کند. در ارزیابی دوم که توسط آقای نورمن دی. فریتی، عضو هیمن، رابرتسون اند کامپنی، که یک شرکت مشاور بیمه در لندن است، به عمل آمده، ارزش شرکت در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) تعیین و تا تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیر ماه ۱۳۵۸) تعدیل شده است. آقای فریتی، که در دو جلسه استماع شهادت شفاهی هم داده است، در گزارش اصلی خود ارزش شرکت را با پیش بینی رشد در پاره ای رشته های بازرگانی، حدوداً "بین ۷۴ میلیون دلار و ۱۱۱ میلیون دلار آمریکا تخمین زده است.

آقای فریتی، که کارشناس اصلی خواهانها است، متذکر شد که وی از اطلاعات مالی مندرج در گزارش مالی مورخ ۲۰ مارس ۱۹۷۹ (۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۷) استفاده نکرده، زیرا گزارش مزبور شرایط غیرعادی اقتصادی مربوط به خود انقلاب را منعکس می کرد که در سال مالی مشمول گزارش یاد شده رخ داده بود.

به منظور تعیین ارزش یک شرکت دائر در مقطعی از زمان، جهت تعیین میزان صحیح غرامت ناشی از ملی شدن - همانطور که در بالا ذکر شد - لازم است که اثرات اقدامات دولت ملی کننده در رابطه با آن موسسه که ممکن است ارزش موسسه را پائین آورده باشد، نادیده گرفته شود. باز همانطور که در بالا ذکر شد، دلایل کافی در دست نیست که نشان دهد که ایران به اقداماتی از این قبیل دست زده باشد.

از سوی دیگر، دگرگونی های قبلی در شرایط عمومی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که احتمالاً در تاریخ مصدوره در دورنمای بازرگانی موسسه تا شيرداشته اند باید در نظر گرفته شوند. این دگرگونی ها بسته به اینکه گذرایا دراز مدت باشند، تاثيرات متفاوتی

دردورنمای آتی موسسه خواهند داشت . از این رو اطلاعات مالی موجود در فاصله بین ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) تا ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیر ماه ۱۳۵۸) نباید نادیده گرفته شود .

آقای فریتی در جلسه استماعی که در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۳ دیماه ۱۳۶۰) برگزار گردید بر اساس اطلاعات مربوط به سال مالی منتهی به ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) در فرضیات خود تجدید نظر کرد . در نتیجه ، کارشناس مزبور با حذف نرخهای رشد آتی تجارت بیمه عمر و با ۳۰٪ تقلیل سود آوری بیمه عمر موجود ، ظاهراً " به خاطر منظور نمودن درصد فوق العاده زیاد حق بیمه های غیر قابل وصول ، حداکثر میزان ارزش را که بدواً تعیین شده بود ، به حدود ۸۰ میلیون دلار آمریکا تقلیل داد .

مهمترین عنصر غرامت مورد ادعای خواهانها با بت صادره سهامشان در شرکت بیمه ایران و آمریکا عدم النفع است . بنا بر این ، وقتی که دیوان داوری راساً " ارزش کل این سهام را تعیین می کند ، باید نتیجه گیری کند که در ژوئن ۱۹۷۹ (تیر ماه ۱۳۵۸) با توجه به شرایط ذیربط موجود در ایران در تاریخ مزبور ، چه فرضیاتی را در باب بقای شرکت و سود آوری آن می توان منطقاً " و با یقین کافی اتخاذ کرد .<sup>(۷)</sup>

با اینکه روش تجزیه و تحلیل مورد استفاده دو کارشناس خواهانها بدون تردید با تکنیک های نوین ارزشیابی شرکت های بیمه تطبیق می کند ، لکن ، ارزشیابی انجام شده به نظر دیوان ، ارزش بازار شرکت بیمه ایران و آمریکا را در تاریخ ذیربط منعکس نمی کند . در اینجا دیوان داوری بدون اینکه مفروضاتی را که این کارشناسان مبنای ارزشیابی قرار داده اند به تفصیل بررسی کند ، پاره ای از دلایل اصلی اتخاذ چنین نظری را بیان می نماید . اولاً ، در این ارزشیابی ها بقدر کافی دگرگونی های حاصله در شرایط عمومی اجتماعی و اقتصادی ایران بین پائیز ۱۹۷۸ و ژوئن ۱۹۷۹ و با طول مدت احتمالی این دگرگونی ها منظور نشده است . در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که در طول آن مدت بسیاری از اتباع ایران که جزو جماعت ثروتمندتر کشور بودند ، مملکت خود را ترک کردند . ثانیاً " در این ارزشیابی ها ، اثرات برخی از مالیات های موضوعه دولت ایران بر سود آوری خالص در نظر

(۷) رجوع شود به : *Recueil des Cours* ، خیمنزد و آرجاگا ، (یک ۱۹۷۸) صفحه ۲۸۶ و تذکر ۵۲۳ : "آزمون اصلی محقق بودن خسارت است " .



- ۱۸ -

گرفته نشده است. ثالثاً، تغییرات حاصل در وضعیت مالی شرکت در فاصله بین ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) و تاریخ ملی شدن، در ارزشیابی تجدیدنظر شده توسط آقای فریتی منعکس نشده است. رابعاً، (در تاریخ ملی شدن) اندکی بیش از ۴ سال ونیم از حیات تجاری شرکت نمی‌گذشت و چنین مدت کوتاهی را نباید مبنای کافی جهت پیش‌بینی منافع آتی محسوب کرد.<sup>(۸)</sup>

همانطور که فوقاً اشاره شد، دلیل ومدرکی دایر بر وجود یک بازار فعال سهام شرکت‌های بیمه در دست نیست. معهداً، بطوریکه ظاهراً "از گزارش‌های یک موسسه حسابداری بر-می‌آید (رجوع شود به زیر) قبل از ملی شدن تعدادی سهم دادوستد شد و آخرین مرتبه در ماه‌های ژوئیه و اوت ۱۹۷۸ این سهام به قیمت ۵۷۶۰ ریال برای هر سهم، دادوستد گردید و بالاترین قیمتی که سهام شرکت در سال مالی منتهی به ۲۰ مارس سال ۱۹۷۹ (۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۷) دادوستد شد، ۶۲۶۰ ریال برای هر سهم بود. از آنجا که راجع به تعداد سهام دادوستد شده و شرایط وقوع معامله آنها مدارکی در دست نیست، نمی‌توان گفت که قیمت‌های مذکور، چه در تاریخ فروش و چه در تاریخ ملی شدن، نشان دهنده ارزش عادلانه سهام شرکت است.

بر اساس مراتب فوق، دیوان دآوری معتقد است که ارزش عادلانه شرکت بیمه ایران و آمریکا (یعنی ارزش آن بصورت یک شرکت دایر) در بازار در تاریخ ملی شدن، حتی از کمترین رقمی که کارشناسان خواهان‌ها بدست داده‌اند، بمراتب کمتر است.

---

(۸) رجوع شود به: جی. آندریاسون، روش ارزشیابی شرکت‌های بیمه و اوراق بهادار بیمه، ۱۹۸۰ (گزارش تسلیمی به کنگره بین‌المللی کارشناسان بیمه که توسط همان کنگره منتشر شده است) صفحه ۱۶: "در بسیاری از بازارها، به خصوص در بازارهای بزرگ، سود شرکت‌های بیمه طبق روالی دوره‌ای تغییر می‌کند... خرید شرکتی، بلافاصله بعد از سال اوج رونق فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند بسیار گران تمام شود، زیرا که احتمالاً شرکت فقط یکی دو سال سود ناچیزی بدست می‌آورد، به دنبال آن، یک دوره چندساله زیان میدهد... با توجه به این روندهای دوره‌ای، انتخاب زمان حائز اهمیت بسیار است..."

( دو ) ارزش خالص دفتری شرکت بیمه ایران و آمریکا

خوانندگان ، به منظور تعیین ارزش شرکت در درجه اول به انتقاد از ارزیابی انجام شده توسط آقای فریتی و سپس به شهادت دکتر غلامحسین چبازی کارشناس حقوقی و بیمه و نایب رئیس شرکت بیمه و بالاخره به گزارش مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۸۲ ( ۱۶ شهریور ۱۳۶۱ ) مربوط به ارزیابی سهام توسط شرکت حسابداران دولتی آگاهان و شرکاء در تهران استناد می‌کنند . همانطور که قبلاً ذکر شد ، خوانندگان - با رد کردن روش ارزشیابی "موسسه دائر" - ارزش تخمینی داراییهای خالص شرکت را -/۶۱,۰۰۰,۰۰۰ میلیون ریال یا -/۸۶۵,۶۱۷ دلار آمریکا برآورد کرده‌اند . این رقم عمدتاً " بر شهادت دکتر چبازی استوار است . آگاهان و شرکاء در گزارش خود ارزش هر سهم را در تاریخ ملی شدن ۳,۷۷۲/۵۰ ریال ، یا پس از تعدیل قیمت بر اساس دستورالعمل های صادره از طرف مقامات مربوط دولتی ارزش هر سهم را ۳,۲۷۲/۵۰ ریال تعیین و ارزش کل شرکت را -/۵,۳۵۲,۹۶۲ دلار آمریکا یا -/۴,۶۴۳,۴۹۰ دلار آمریکا برآورد کرده‌اند . لیکن ، حسابداران در گزارش خود متذکر شده‌اند که شرکت بیمه در ترازنامه نهائی آنها نه یک شرکت کاملاً گردیده و نه یک شرکت در حال انحلال ، بلکه مبنائی که اتخاذ گردیده ترکیبی از این دو حالت بوده است . گزارش مزبور همچنین نشان می‌دهد که در باره پاره‌ای از موضوعات ، حسابداران طبق دستوراتی که دریافت کرده‌اند ، عملکرد واقعی تجاری شرکت را طی سالهای بعد از ملی شدن در نظر گرفته‌اند . بررسی دقیق گزارش حسابرسی ، بخصوص با توجه به اطلاعات مندرج در حواشی آن ، روشن می‌سازد که ارقام بدست داده شده توسط حسابداران به دلیل دستوراتی که دریافت کرده‌اند ، بسیار پائین است . واضح است که اگر حسابداران در ارزشیابی سهام شرکت در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ ( ۴ تیرماه ۱۳۵۸ ) اصول متداول حسابداری را به کار می‌بردند ، مبلغ بدست آمده به مراتب از ارقامی که در گزارش ذکر شده بیشتر می‌شد .

سه - نتیجه گیری

مسئله اول این است که در ارزشیابی سهام شرکت بیمه ایران و آمریکا چه روشی باید مورد استفاده قرار گیرد. دیوان داوری معتقد است که روش مناسب این است که شرکت به عنوان یک مؤسسه دائر ارزشیابی شده، نه تنها ارزش خالص دفتری داراییهای شرکت بلکه عواملی چون شهرت تجاری و سودآوری احتمالی شرکت در آینده با این فرض که شرکت زیر نظر مدیریت سابق آن ادامه فعالیت میداند نیز ملحوظ گردد. روش ارزش دفتری عمدتاً "در موارد انحلال شرکتهای به کار می رود.

از این رو، مسئلهای که در مرحله دوم باید مورد بررسی قرار گیرد، این است که بر اساس مدارک موجود در دیوان داوری راجع به ارزش عادلانه حقوق خواهان ها در شرکت بیمه ایران و آمریکا و یا ارزش شرکت به عنوان مؤسسه دائر، به چنتایجی میتوان دست یافت.

از آنچه که در بالا شرح داده شد، احتمالاً می توان به نتایجی دست یافت که حداقل حداکثر ارزش شرکت را منطقیاً "معین میسازد، اما فاصله این دو حد فوق العاده زیاد است و برای تعیین ارزش شرکت در داخل این حدود که غرامت باید به آن مربوط شود، دیوان داوری به ناچار متوسل به ارزشیابی تقریبی شده و در این کار کلیه اوضاع و احوال ذیربط در پرونده را ملحوظ می دارد. بدین ترتیب دیوان ارزش سهامی را که اکنون باید به خواهان ها با بت آن غرامت پرداخت شود، ۱۰ میلیون دلار تعیین می کند که از این مبلغ باید ۷،۱۴۲،۸۵۷ دلار به ایگ و ۲،۸۵۷،۱۴۳ دلار به الیکو پرداخت شود.

دیوان داوری با توجه به نتایجی که در این پرونده به دست آمده، لازم نمیداند که به مسائل مربوط به اعتبار یا عدم اعتبار عهدنامه مودت و ذیربط بودن آن در مورد

- ۲۱ -

اختلاف حا ضربپردا زد .

خوانندگان ادعا کرده اند که خواهانها طبق قراردادهاى متعدد بیمه اتکائى مبلغ ۱۱۱،۴۶۱،۲۵۰ ریال یا ۱،۵۸۱،۵۷۱ دلار آمریکا بدهکارند. ولی هیچگونه مدرکى حاکی از وجود این دین در دیوان داوری موجود نیست. لذا چنین تها تری رانمی توان مجاز شمرد .

ج - بهره

دیوان داوری معتقد است که خواهانها حق دارند بابت مبلغ غرامت، بهره ای به نرخ ۸/۵ در صد در سال از تاریخ ملی شدن، یعنی ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیرماه ۱۳۵۸) دریافت نمایند .

پنجم - هزینه ها

دیوان داوری مقرری دارد که کلیه طرفها باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نمایند .

ششم - حکم

حکم دیوان داوری به شرح زیر صادر می شود:

ادعا علیه خواننده بیمه مرکزی مردود شناخته می شود .

خواننده دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ هفت میلیون و یکصد و چهل و دو هزار و هشتصد و پنجاه و هفت دلار آمریکا ( ۷،۱۴۲،۸۵۷ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ۸/۵ درصد

- ۲۲ -

در سال از تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ ( ۴ تیرماه ۱۳۵۸ ) تا تاریخی که کارگزارا مانی دستور پرداخت مبلغ حکم رابه بانک امین می دهد، به خواهان امریکن اینترنشنال گروپ، اینکورپوریتد، پرداخت نماید.

خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ دومیلیون و هشتصد و پنجاه و هفت هزار و یکصد و پنجاه و سه دلار آمریکا ( ۲,۸۵۷,۱۵۳ دلار آمریکا ) به اضافه بهره ساده به نرخ ۸/۵ درصد در سال از تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ ( ۴ تیرماه ۱۳۵۸ ) تا تاریخی که کارگزارا مانی دستور پرداخت مبلغ حکم رابه بانک امین میدهد، به امریکن لایف اینشورنس کامپنی بپردازد.

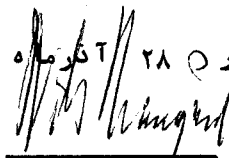
این مبالغ از محل حساب تضمینی که طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ د ی ماه ۱۳۵۹ ) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح گردیده است، پرداخت خواهد شد.

هریک از طرفها باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

بدینوسیله این حکم جهت ابلاغ به کارگزارا مانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می گردد.

لايه

به تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ برابر ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲



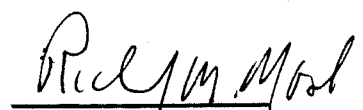
نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

بنا مخدا

---

 پرویزانما ری معین

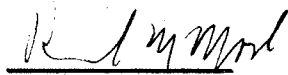


ریچاردام . ماسک

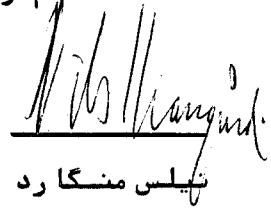
نظر موافق

- ۲۲ -

پس از آنکه از داوران شعبه سه دعوت شد که در ساعت ۱۲ نیمروز ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای امضاء حکم حاضر شوند، قاضی انصاری معین در جلسه حاضر و اعلام داشت که حکم را امضاء نخواهد کرد.



ریچارد ام. ماسک



نیلز منگارد